

خمینی

اتهام حجت جدید!!

هادی رشیدیان

سرعت و شتاب تحولات ایبران در غالب موارد بحدی است که میان حال و آینده فاصله‌ای باقی نمیگذارد. آن چه یک لحظه پیش به آینده متعلق داشت حال میشود و لحظهای بعد بسه گذشته متعلق میگردد. چند هفته‌ای اخیر نمونه‌ای گویا از این وضع را بدست میدهد.

انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری، انتخاب ممکن ترین نماینده‌ی سرمایه‌داری - نماینده‌ی دست سوم - در شرایط موجود بود. اما در اینمورد در گذشته‌ای نه چندان دور مطالبی نوشتیم و متذکر شدیم که سلسله مراتب امسی، بختیار به همراه بازرگان به توقف منطقی خود بر دروازه‌ی "راه بنی صدر" رسیده و فردی از رده‌های پائین همس مرتب با پیشوانسی حمایت خرده‌بورژوازی فریب نخورده و فریب خورده از اندرون کشور، و کار - دانی و کارگشایی سوسیال دموکراسی غربی از خارج کشور بر همان مستندی قرار گرفت که از چند سال پیش برای "مسو لویبریدان بنی صدر" معین شده بود.

اما از آنجا که طبعاً حمایت سوسیال دموکراسی غربی نه صرفاً از شخص نخعی بنی صدر بلکه از برنامه‌ای بود که او بالضرورة در دست داشت، بنا بر این مسلم بود که از همه‌ی امکانات مرئی و نامرئی برای پیشبرد "خسب بنی صدر" - که چیزی جز همان خسب سرمایه‌داری قسماً عربیان و قسماً با حجاب نیست - استفاده خواهد شد. واگذاری فرماندهی کل قوا از طرف امام به وی اگر نه مهمترین لاقسل برجسته‌ترین نشانه از این واقعیت بود که بهر حال خوب باید "خط امام" یا "خط بنی صدر" مناسب است. اما این مطلب که برای روشن شدن احتیاج به واگذاری فرماندهی کل قوا هم نداشت، برای عده‌ای حتی پس از این واقعه نیز ناروشن باقی مانده است.

جریان‌ات دیگری باید اتفاق میافتاد که پرده‌ی ابهام را در نظر این عده نیز ببرد.

در گذشته ذکر کرده بودیم که ماجرای "پیروان خط امام" شکردی بود از شگردهای متعدد هیئت حاکمه. واقعه‌ای در بازی قدرتها و حادثه‌ای از میان حوادث بشمار سال اخیر. اما اگر در این میان عسده‌ای از بازیگران - و شاید بهتر است گفته شود عده‌ای از کسانی که بیازگی گرفته شده بودند - مسئله را جدی تصور کردند و نقش خود را واقعاً پی‌داشته‌اند، گناه گردانندگان امور چه بود؟ یک لحظه تامل و اندیشه در ماهیت طبقه‌ی حاکمه و در مناسبات درونی و بیرونی آنها نشان میداد که این انقلاب دوم (۱) تا آنجا که مربوط به طبقه‌ی حاکمه میشد چیزی در عدم اصالت از انقلاب اول کم نداشت. در انقلاب اول نیز اصالت حرکت توده‌های زحمتکش فریاد زده و بندها و سازشکارها و توطئه‌های قدرتمداران و طالبان قدرت شد. در "انقلاب" فرمایشی دوم، زدو بندها احساسات ضد امپریالیستی امیل مردم را بیازی گرفت و برای مدتی خاک در چشمها پاشید. کسانی که فریب این بازی را خوردند شایسته‌ی آنند که شاهد آن باشند که هم اکنون گردانندگان این سناریو علیرغم تضادهای درونیشان در تقسیم قدرت هر یک منصبی را اشغال کرده‌اند و به ریششان میخندند. جناب بهشتی، حضرت بازرگان، آقای یزدی، حجت السلام خوشینی... و البته در ماوراء همه امام امت.

در این میان سهم "دانشجویان پیرو خط امام" هم آن شد که همه میدانیم. "فعلاً از گروگانها مواظبیت کنید تا ما تکلیف آنها را روشن کنیم". این واقعه نیز علیرغم روشن بودن

آن باز همه‌ی آرزومندان مشتاق و توهم زدگان جاودانی را "روشن نکرد. "انتخابات" اسلامی و "سکوت (!) زیرکانه‌ی امام در مورد دو مرحله‌ای بودن یا نبودن آن نیز با آنکه پاره‌ای از امیدواران را ناامید کرد بسیار گویا کفایت نکرده بود. سیر حوادث و وقایع روشنگر نبود و برای کسانی که بجای دیدن واقعیات به تفسیر آن از دهان بزرگان عادت دارند چیزی مانند نطق امام ضروری بود تا پرده‌ی اوهاشان را ببرد. و امام امت چنین کرد. و او این قدم را درست زمانی برداشت که بقول خود او آخرین قدم ملت یعنی شرکت در انتخابات برداشته شده بود. پیام سیسزده ماده‌ای امام بمناسبت آغاز سال نو صحنه‌ی آخر یک سناریوی پر ماجرا، اقتادن پرده بود.

این پیام هیچ چیز جدیدی نداشت اما بسیار گویا بود. این پیام جمعیتی دوران یکساله‌ی پس از انقلاب و منشور اشتلاقی جناحهای قدرت برای دوران آینده بود. این پیام کوتاهترین خط و اصل بیان اوضاع درهم کنونی و نظم مطلوب نمایندگان سرمایه‌داری را ترسیم میکرد و برای آخرین بار به کسانی که تصور میکردند جمهوری اسلامی چیزی غیر از یک نوع از انواع سرمایه‌داری است هشدار داد که چشمهای خود را باز کنید و بیش از از آنچه ما طالبیم به شما بدهیم از ما نخواهید. جمهوری اسلامی ما سفره‌ایست که بر گوشه‌های آن حضرات نامداری مانند بهشتی و بازرگان و بنی صدر نشسته‌اند و قوای قضائیه و مقننه و اجرائیه را مانند لقمه‌های چرب در دهان گرفته‌اند. "عدل اسلامی" رعایت شده است و بهر یک چیزی رسیده است. شما عوام الناس چه میگوئید؟ ضروری بود که در این پیام بطور قاطع دست‌رد به سینه‌ی نمایندگان آن بخشاز توده که هنوز بدنبال و

تحت توهّمات "عدل اسلامی" میدونند زده شود و زده شد. سازمان مجاهدین خلق ایران که در ماههای اخیر بزرگترین بهره را از رویکردانی نودهی مردم از حزب جمهوری اسلامی و شرکاء برده بود بایستی در حرکت خود متوقف میشد. این امر بیا خونتی که از خصائص رژیم کنونی است انجام شد و فتوای امام تا یک قدمی تکفیر این سازمان پیشرفت. منتسب کردن نظرات این سازمان به مارکسیسم از نظر مسلمانان معتقد معنایی غیر قابل تردید دارد. و این کشف اخیر امام بازتاب خود را در بورشهای بعدی ارتجاعیون بایسن سازمان خواهد یافت. امام امت نشان داد که طالب چه نوع اسلامی است. اسلام فربه کنندهی بهشتی یا اسلام شهادتی مجاهدین. ریاست فوهی قضائیه برای بهشتی، شهادت برای مجاهدین. باز بگذار مجاهدین دردامن زدن به توهم خودنودهی مردم در مورد انتخاب امام بکشند. باز بگذار نامه های آنجانی حضور مقدس امام بنویسند و بخاطر ایجاد امکان گسترش سازمانی خود در ادامه ی توهم توده ها سهیم شوند.

بجز این، یعنی بجز جلوگیری از بهره برداری "التقاطیون" و بیا "منافقین" از افول محبوبیت رهبران اسلامی، امر مهم دیگری نیز بایست انجام میگرفت و امام امت در پیام خود از آن غافل نماند.

گفتیم که صحنه سازی "پیروان خط امام" و انقلاب فرمایشی دوم برآی عدهی کثیری از مردم بمثابهی یک اقدام جدی تصور شد و بدنبال آن احساسات ضد امپریالیستی مردم اوج گرفت. تو سری خوردن های اخیر "پیروان" گرچه چشم عدهی زیادتری را باز کرد معهدا لازم بود که بطور قاطع جلو توهّمات ضد امپریالیستی که میتوانست در آینده باعث دردسر گردد گرفته شود. رژیم های سرمایه - داری همواره میکوشند که "احساسات" را در حد قابل کنترل نگاه دارند. هیجان و شور و شوق آری، ولی عوارض جدی هیجان نه. این دونباید

مخلوط شوند و گرنه بازی خوش خوشک جدی میشود. و این البته خیلی بد است.

ادامه ی احساسات ضد امپریالیستی مردم چند خطر برای رژیم حاکم داشت :

۱- این احساسات در ادامه ی خسود موجب بالا رفتن سطح انتظار مردم میشد.

تا کی میتوان از مبارزه ی ضد امپریالیستی دم زد ولی حتی یک قرارداد امپریالیستی را افشاء نکرد؟

۲- این احساسات باعث بهره برداری نیروئی میشد که از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک برای رهبران کنونی نامطلوب تر است. بهره برداری شوروی و هواداران آن از این امر عیانتر از آن بود که برای رژیم قابل رویت نباشد. کارتر "جانی" در تحلیل نهائی خداشناس است و نباید مبارزه با او را بقیمت خرسندی برزنت کافر به پیش راند. "کالای سوسیالیستی بخرد" حزب توده انعکاس خواست و انتظار شوروی بود. بیا این مسئله باید عملی میشد و بیا اینکه باید به چنین انتظاری تو دهنی زده میشد.

۳- ادامه ی این احساسات دست رژیم را در زد و بند و سازشهای آینده می بست. رژیم کسه میدانست علیرغم خواست مردم، روابط خود را با این بیا آن نیروی امپریالیست و این بیا آن جناح سرمایه داری حفظ و گسترش خواهد داد، و بخشی از رسالت او هم همین است، در آغاز "سال تثبیت" نمیتوانست شاهد رشد احساساتی باشد که مانع از انجام خواست اوست.

۴- از آنجا که متاسفانه بخش مهمی از چپ ایران تحت توهّمات مختلف دربارهی ماهیت رژیم شوروی است هر مسئله ای که موجب تقویت نفوذ بیا اعتبار شوروی شود مآلا موجب قدرت بیشتر این بخش از چپ میشود. برای رژیمی که دشمن اصلی خود را نیروهای چپ میداند،

حمله به "اردوگاه سوسیالیسم" علاوه بر "منافع" مستقیم آن، در بی اعتبار کردن چپ هم مطلوب است.

۵- امپریالیسم "حمله" به خود را تا زمانیکه در محدوده ی قابل کنترل نگاه داشته شود قابل تحمل - و گاه مطلوب - میدانند، اما آنچه که کلا برای امپریالیسم نگران کننده میشود این است که این "حملات" موجب بهره برداری رقیب "سوسیالیست" شود. بنابر این نه تنها مسائل سیاسی و ایدئولوژیک رهبران رژیم، بلکه فشارها و خواستهای نیروهای مختلف سرمایه داری جهانی بطور قاطع حکم میکرد که جلو این بهره برداری گرفته شود.

بدین لحاظ و شاید لحاظ دیگر، حمله به شوروی در دستور کار قرار میگرفت و این امر با لحنی انجام شد کسه بسیار رسا بود. سخن پراکنی بعدی بنی صدر در تائید این نکته از پیام امام و اشاره های متعدد زعمای قم در مورد صدور انقلاب اسلامی نشانه ی آنبی که رژیم در این مورد تصمیم جدی گرفته است و متاسفانه از نظر حزب توده و شرکاء خط امام به مسکو منتهی نشده است.

گشایش مجلس و آغاز حرکت منظم جمهوری اسلامی (منظم تا آن حد که در ظرفیت چنین رژیمی است) بزودی نشان خواهد داد که منشور ۱۳ ماده ای امام امت تا چه حد قابل تحقق است. این برنامه ی طبقه ی حاکمه است ولی در حرکت اجتماعی، برنامه ی طبقه ی حاکمه صرفا یکطرف معادله است. طرف دیگر معادله را حرکت توده های مردم تشکیل میدهد. در این مقاله جای ارائه ی پیش بینی ما در مورد جنبش زحمتکشان نیست ولی از ذکر یک نکته نمیتوانیم صرف نظر کنیم و آن اینست که اگر سال گذشته دوران اولیه ی هو - شیاری مردم بود سال آینده سال آغاز بروز آن در سطح گسترده است. منشور امام، منشور امام باقی خواهد ماند و منشور حرکت توده های مردم را خسود آنان خواهند نوشت.